

هدیه‌ای از طرف باب

نویسنده: جیمز بوئن

مترجم: مینا امان‌الله پور



مقدمه

لندن، دسامبر ۲۰۱۳

هنوز چند هفته تا کریسمس مانده بود؛ اما در هتل شیک و گران قیمتی در نزدیکی میدان ترافالگار^۱ همچنان جشن و مهمانی همراه با رقص و آواز برگزار بود. تالار رقص بزرگ و آینه کاری شده پر از سروصدا بود، احتمالاً بیش از دویست نفر مهمان در حال رقص و خوش گذرانی، صحبت کردن و خندیدن بودند. چند نفر پیشخدمت و خدمتکار که لباس های شیک و تروتمیز پوشیده بودند با سینی های نوشیدنی، آبمیوه و خوراکی های مختلف و رنگ و وارنگ در میان مردم می چرخیدند و به همه تعارف می کردند. همه شاد و خوشحال بودند.

در این جشن که به صرف ناهار بود از بزرگ ترین ناشران لندن و اکثر نویسندگان معروف و مشهور دعوت شده بود. هرازگاهی افرادی را می دیدم که به نظر آشنا می آمدند، بعد متوجه می شدم که آن ها را در تلویزیون و یا در روزنامه دیده ام.

آن ها برای سلام و عرض ادب با بوسه ها و آغوش گرفتن های جلف و خودنمایانه به یکدیگر خوش آمد می گفتند. بسیاری از مهمانان دوستان قدیمی بودند. در میان آن ها، یک نفر را به سختی شناختم.

در قسمتی از وجودم احساس می کردم کمی شبیه مهمان ناخوانده ام، یک جوری تظاهر می کردم که نیستم. مگر این که غیر از این باشد.

1 Trafalgar Square:

یکی از اصلی ترین و مشهورترین میدان های لندن است که در مرکز آن واقع شده و از جاذبه های توریستی شهر به شمار می آید. این میدان در سال ۱۸۴۵ ساخته شده و به مناسبت بزرگداشت پیروزی دریانورد نلسون در نبرد ترافالگار چنین نام گذاری شده است.